خاطره بازی

هنر؛ زیباشدن زشت‌ها

مدت‌هاست که دیگر تلویزیون تماشا نمی‌کنم. می‌دانید چرا؟ چون خبری از کارهای خوب نیست. البته تحمل دیدن مجموعه‌های ترکیه‌ای را هم ندارم. از شنیدن این خبر که مردم ایران دارند سریال‌های ترکیه‌ای تماشا می‌کنند، متاسفم. متاسفم که مردم، وقت خود را با دیدن این مجموعه‌ها، هدر می‌دهند. بیشتر این مجموعه‌ها ضداخلاقی هستند. این‌جور صریح سخن گفتن، گاهی باعث می‌شود دشمن زیادی پیدا کنم، اما ملالی نیست؛ نیما می‌گوید: «ای فسانه! خواندند آنان که فروبسته ره را به گلزار/ خس، به صدسال طوفان ننالد/ گل، ز یک تندباد است بیمار/ تو میوشان سخنانی که داری...»

از خیلی اتفاق‌های هنری رنج می‌برم. خیلی دوست دارم دوباره روی صحنه تئاتر حاضر شوم اما افسوس که بیماری جسمی‌ام نمی‌گذارد... وضع هنر ما و خاصه تئاتر در شرایط کنونی چندان بسامان نیست. اولین قدم برای بیرون رفتن از این وضع، آن است که مردم را با تئاتر آشتی دهیم و کاری کنیم که آنها به سالن‌های نمایش بیایند. آخر از نظر من، قصد هنرمند تئاتر از کار کردن، خدمت به مردم هنر دوست و به‌طور کلی مردم جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. هنرمند اگر از این مسیر وارد کار هنری شود، می‌تواند اندیشه خود را در ابعاد جهانی هم ارایه دهد. درباره این موضوع، خاطره‌ای دارم که ذکر آن خالی از لطف نیست. در پاریس فستیوالی به‌نام تئاتر ملی سارا برنارد، برگزار می‌شد. سال ۲۵ یا ۲۶ بود که گروه هنر ملی برای حضور در این جشنواره دعوت شد. من ابتدا عضو این گروه ملی نبودم اما آقای عباس جوانمرد به من نقشی دادند و در جشنواره تئاتر پاریس شرکت کردیم. در آن زمان یک خانم ایتالیایی به‌نام آنا مانیانی، بازیگر شناخته‌شده‌ای بود و فیلم‌های فراوانی هم بازی کرده بود. او چهره چندان زیبایی نداشت و به اصطلاح عامه زشت بود. ما درحال تمرین روی صحنه بودیم و خود را برای جشنواره سارا برنارد (که نام یک خانم هنرپیشه بزرگ فرانسه است) آماده می‌کردیم. یادم می‌آید اتاق خاصی هم برای گریم آماده کرده‌بودند که فقط هنرپیشه‌های بزرگ جهان اجازه داشتند وارد آنجا شوند. خانم آنا مانیانی با یک جوان بسیار زیبا به پشت صحنه آمد، چون زبان ایتالیایی نمی‌دانستیم به یکی از دوستان ایرانی که فرانسه هم بلد بود، گفتم: داستان نمایش این خانم چیست؟ برایمان از داستان بگو تا ما هم در جریان نمایش قرار بگیریم. خاطرم هست زنده‌یاد جمشید لایق هم کنار من نشسته بود. بعد از شنیدن داستان نمایش (بسا بازی این خانم ایتالیایی و آن جوان خوش‌چهره)، رویم را به سمت لایق کردم و گفتم: کارگردان این نمایش دیوانه است! لایق گفت: چطور؟ گفتم: این همه هنرپیشه‌های زیبا در ایتالیا حضور دارند، چرا براساس داستان این نمایش یک جوان زیبا باید عاشق خانمی شود که هیچ زیبایی ندارد؟! لایق در پاسخ گفت: تو درست می‌گویی، اما این انتخاب کارگردان بوده. بالاخره نمایش شروع شد. ۵ دقیقه از شروع نمایش گذشت و من به لایق گفتم: این زن، یکی از زیباترین هنرپیشه‌های ایتالیا است. این زن در عرصه هنر بازیگری‌اش به‌قدری قوی ظاهر شد که زشتی صورت او به چشم نمی‌آمد. این مثال را آوردم تا بگویم با هنر می‌توان زیبا شد. روزی زیبایی‌های ظاهری از بین می‌رود، پیر و نابود می‌شوید، مثل جمشید مشایخی بعد از مدت‌ها له می‌شوید، اما هنر همیشه می‌ماند و هر زشتی را زیبا می‌کند. این خاصیت هنر و زندگی اخلاقی است.

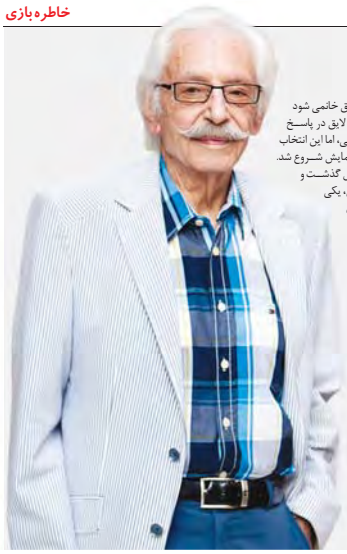

امروز با سعدی شیراز

به‌تندی و خشم و درشتی مکوش

اگر صلح خواهد عدو سر میچ / وگر جنگ جوید عنان بر میچ
که گر وی ببندد در کارزار / تو را قدر و هیبت شود یک، هزار
ور او پای جنگ آورد در رکاب / نخواهد به حشر از تو داور حساب
تو هم جنگ را باش چون کینه خاست / که با کینه ور مهربانی خطاست
چو با سفله گویی به لطف و خوشی / فزون گردد شکر و گردن کشی
به اسبان تازی و مردان مرد / برآر از نهاد بداندیش گرد
و گر می برآید به نرمی و هوش / به تندی و خشم و درشتی مکوش

یک خبر | یک نگاه

ارزش اقتصادی پسماندهای خشک

حسن پسندیده با بیان اینکه روزانه بیش از ۴۹ هزار تن پسماند عادی در شهرها و روستاهای کشور تولید می‌شود، افزود: یکی از نکاتی که سازمان حفاظت محیط زیست بر آن تاکید دارد روش‌های بکارگیری شده مدیریت پسماندها در کشور است. پسندیده با اشاره به اینکه بخش اعظمی از پسماندهای خشک دارای ارزش اقتصادی هستند تصریح کرد: با بازیافت آن هانه تنها می‌توان به اقتصاد کشور کمک کرد بلکه می‌توان از آلودگی طبیعت و محیط زیست و هدر رفتن منابع خام و ذخایر کشور جلوگیری کرد، مدیرکل دفتر آب و خاک سازمان محیط زیست اظهار داشت: بطور میانگین سرانه تولید زباله شهری در کشور به ۷۵۰ گرم در روز می‌رسد که این رقم در روستاها کمتر بوده و به حدود ۴۵۰ گرم به ازای هر نفر در روز می‌رسد و استان تهران با تولید روزانه حدود ۷ هزار تن، بیشترین تولید زباله خانگی و شهری را در کشور به خود اختصاص داده است. متاسفانه تهران در تمام مسائل پیشرو است و حالا این خبر حاکی از این است که در تولید زباله نیز جایگاهی برای خود دست و پا کرده و این اعداد و ارقام حاکی از این هستند که ما افراد مصرف گرایی هستیم که تنها توانسته ایم محیط پیرامون خود را آلوده و تخریب کنیم. در تمام دنیا با استفاده از تکنولوژی و علم روز از این طلای سیاه در زمینه‌های مختلف بهره می برند و ما تنها در تولید آن پیشقدم هستیم!

برش

انگار جوان‌تر می‌شوی

| فرانک اکانر |

پیرمرد بانگ زد: «بیا تو، بیاتو». گروهبان، خوش آمدی.» و با گام‌های نسبتا لرزان به طرف در کرده بود شتافت. پلیس در آستانه در ایستاده بود، نیمی از سر و بدنش در نور آفتاب و نیمی در سایه بود؛ درون خانه به راستی تاریک بود، یک سوی صورت سرخش رو به نور بود و پشت سرش شاخه‌های سبز و خرم درخت زبان گنجشکی در برابر پس‌زمینه آبی آسمان گسترده بود. مزرعه سبز، که گاه توده سنگ‌های قهوه‌ای سرخ‌فام در میان آنها به چشم می‌خورد، تا پایین تپه امتداد داشتند و پشت آنها دریا در خشان و شفاف در سراسر افق گسترده بود. صورت گروهبان گوشتالود و تر و تازه بود و چهره پیرمرد که از تاریکی آشپزخانه بیرون آمده بود رنگ باد و خورشید را به خود گرفته بود، اجزای صورتش در کشاکش نبرد با زمانه و آب و هوای نامساعد طوری شکل گرفته بود که گویی بر صخره‌ای حک شده بود. گروهبان گفت: «من! به خدا انگار جوان‌تر می‌شوی.»

پیرمرد جواب داد: «هه نیستم، گروهبان، شکاکیتی ندارم.»

لحنش نشان می‌داد که تعریف گروهبان را باور کرده است اما لب به لو اجازه نمی‌دهد که زیاد به روی خودش بیاورد.

برشی از «شکوه قانون»

شاتر

قربانیان جنگ آب در عراق

سیطره داعش بر سیستم توزیع آب رودخانه فرات و اقدام این گروه تروریستی به بستن جریان آب به سوی مناطق مرکزی، ترکیه نیز به میزان قابل توجهی، ورودی آب دجله و فرات به سمت عراق و سوریه را کاهش داده است. دامپروری و کشاورزی ساکنان حاشیه فرات به دلیل کم شدن آب فرات با مشکل مواجه شده است.

عکس: خبرگزاری ایسنا

یادداشت

بازخوانی سخنان دیوید مورس پس از دریافت جایزه صلح‌نوبل در ۱۹۷۰

اگر آرزوی صلح دارید، عدالت کشت کنید

| برگردان: مجتبی پارسا |

توضیح مترجم: «اگر آرزوی صلح دارید، عدالت کشت کنید.» (Si vis pacem, cole justitiam) این جمله روی ساختمان اصلی سازمان بین‌المللی کار (ILO) در ژنو نوشته شده که ملهم از منشور این سازمان است. قطعاشکم‌های خالی مردم، اجازه‌اند بشیدن به صلح را به آنها نمی‌دهد. غذا، به‌عنوان اصلی‌ترین مولفه زندگی بیولوژیک انسان است که بدون آن زندگی انسان‌ها، ناممکن خواهد بود؛ وبه طریق اولی، صلح امروزه اما مولفه‌های پیش‌نیاز دیگری نیز برای صلح در جهان، برمی‌شمارند: عدالت اجتماعی، آزادی و لوازم اینها. نمی‌توان بدون فراهم آوردن پیش‌نیازهای ضروری صلح، از صلح و نوعدوستی سخن گفت. اگر هم بتوان سخنی از آن گفت، گوش شنوایی نخواهد بود. ترجمه ذیل، بخشی از سخنرانی ۱۱ دسامبر ۱۹۷۰ دیوید مورس، مدیرکل ILO (سازمان بین‌المللی کار) است که به‌دنبال دریافت جایزه صلح نوبل، ایراد شده است.

انقلاب سبز، آرامش و انسانیت

تمدن، آنچنان که امروز شناخته می‌شود، بدون منابع کافی غذایی، نه می‌تواند باقی بماند و نه تکامل بیابد. هنوز غذا یکی از چیزهایی است که همه رهبران جهان آن را مسلم می‌دانند، با این وجود، واقعیت این است که بیش از نیمی از جمعیت جهان، گرسنه هستند. ظاهرا انسان‌ها بر نادیده گرفتن درس‌های تاریخ، اصرار می‌ورزند.

زندگی انسان، از زمان آدم و حوا تا اختراع کشاورزی، به‌دلیل عجز انسان برای تضمین منابع غذایی‌اش، پرمخاطره بوده است. در طی دوران طولانی، مبهم و تاریک پیش از تاریخ، زمانی که انسان به‌عنوان یک شکارچی ساده و جمع‌کننده غذا زندگی می‌کرد، کمبودهای غذایی مکرر، باید مانع توسعه تمدن روستایی شده باشند. در چنین شرایطی، رشد جمعیت انسانی به‌طور خودکار توسط محدودیت‌های منابع غذایی، محدود شد.

اختراع کشاورزی، در هر حال، به‌طور دایمی نتوانست بشر را از ترس کمبود غذا گرسنگی و قحطی رها کند. حتی در زمان ماقبل تاریخ، رشد جمعیت، غالبا توانایی انسان را برای تولید غذای کافی، تهدید کرده است. سپس زمانی که خشکسالی و شیوع بیماری‌ها، حشرات و آفات، محصولات گیاهی را ویران کرد، موجب قحطی و کمیابی شد.

اما امروز، ما باید خیلی هوشیارتر باشیم؛ با کمک خداوند و دانش و علممان، نه‌تنها باید منابع غذایی‌مان را افزایش دهیم، بلکه باید آنها را در مقابل فجایع بیولوژیکی و فیزیکی به‌وسیله تلاش‌های بین‌المللی جهت فراهم آوردن انبارهای ذخیره غذا برای زمان نیاز، بیمه کنیم. همچنین این انبارهای ذخیره غذا باید برای همه‌کسانی که به آن احتیاج دارند و پیش از وقوع قحطی و کمیابی، نه پس از آن، در دسترس باشند. انسان‌ها می‌توانند و باید جلوی قحطی را بگیرند و نه مانند گذشته که بعد از قحطی و کمیابی، به حال انسان‌های از بین رفته، تاسف بخورند. اگر رفتار سهل‌انگارانه ما در آینده باعث وقوع مصایب و مشکلات شود، گناه یک جنایت بزرگ بر گردن ما خواهد بود. انسانیت نمی‌تواند چنین قصوری را تحمل کند.

آلفرد نوبل نیز درمورد اهمیت غذا، بسیار هوشیار بوده است. روزی نوشت: من ترجیح می‌دهم به شکم‌های گرسنه اهمیت بدهم تا این که به شکوه و عظمت بناهای تاریخی به‌جا مانده. سرنوشت تمدن جهان، وابسته به فراهم کردن زندگی استاندارد برای همه‌انسان‌ها است. اصول اساسی برنده جایزه نوبل ۱۹۶۹ ــ سازمان بین‌المللی کار (ILO)، در منشور این سازمان بیان شده است: «صلح پایدار و جهانی، تنها بر پایه عدالت اجتماعی می‌تواند بنا شود». اگر آرزوی صلح دارید، عدالت کشت کنید» این سخن بسیار فوق‌العاده‌ای است. هیچ‌کس نمی‌تواند با این قاعده بزرگ، مخالف باشد.

تقریبا به‌طور قطع می‌توان گفت که ضروری‌ترین مولفه عدالت اجتماعی، غذای مناسب و کافی برای همه انسان‌هاست. غذا حق مسلم و اخلاقی هر کسی است که در این دنیا متولد شده است؛ اگرچه امروز هنوز ۵۰ درصد جمعیت جهان، به‌سمت گرسنگی پیش می‌روند. بدون غذا، هیچ انسانی نمی‌تواند بیشتر از چند هفته زندگی کند؛ و بدون غذا، سایر مولفه‌های عدالت اجتماعی، بی‌معنا هستند. بنابراین احساس می‌کنم که قاعده گفته شده را باید به این صورت بخوانیم: اگر مشتاق و خواهان صلح هستید، عدالت کشت کنید؛ و همزمان، مزرعه‌ها را کشت کنید تا نان بیشتری تولید کنیم؛ در غیر این‌صورت، هیچ‌صلحی وجود نخواهد داشت.

بحث از گرسنگی و نزاع‌های اجتماعی مرتبط با آن، موضوع جدیدی نیست. در کتاب عهد قدیم (تورات) نیز شواهدی برای این موضوع وجود دارد: «...اگر شرایطی بیاید که آنها گرسنه باشند، به هم اخم و ترشرویی می‌کنند و پادشاهشان و بعد خدایشان را لعنت می‌کنند...»

شاید هیچ‌کس در زمان‌های متاخر به رادیکالی «لرد جان بوید آر» ارتباط میان غذا و صلح را بیان نکرده است. لرد جان آر، جنگجوی بزرگ خط‌مقدم در مقابل گرسنگی و اولین مدیرکل سازمان غذا و کشاورزی در سخنرانی معروف خود گفت: «نمی‌توانید صلح را برپایه شکم‌های خالی بنا کنید!» این سخنان که ۲۱ سال پیش (درسال ۱۹۴۸) گفته شده، برای شرایط امروز هم صحیح است. معنای این سخنان را زمانی که جمعیت جهان به‌شدت افزایش یافت، بهتر خواهیم فهمید. زمانی که شلوغی و ازدحام و فشارهای اجتماعی و استرس، بیشتر شود. نشنیده گرفتن سخنان «لرد آر»، باعث اختلال و هرج و مرج اجتماعی خواهد شد. چراکه این، یک قانون اساسی بیولوژیکی است و زمانی که زندگی موجودات، به‌دلیل کمبود مواد غذایی در معرض تهدید قرار بگیرد، آنها برای به‌دست آوردن مایحتاج‌شان، به خشونت، رو می‌آورند. ما باید این واقعیت را باور کنیم که غذای مناسب و کافی، تنها اولین نیاز زندگی انسان است. برای زندگی نجیبانه و انسانی، باید همچنین شرایط خوبی را جهت تحصیل، اشتغال، خانه‌های راحت، لباس‌های خوب و مراقبت‌های پزشکی دلسوزانه و موثر فراهم کنیم. در غیر این صورت، انسان، خیلی زودتر از آنکه از گرسنگی، نابود شود، از بیماری‌های زیست محیطی از بین خواهد رفت.

منبع: www.nobelprize.org